

بررسی هم‌سنگ جایگاه زن  
در ضرب‌المثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفرد  
بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناختی آلفرد آدلر و اریک برن  
علی صادقی‌منش<sup>۱</sup> مهیار علوی‌مقدم<sup>۲\*</sup> ابراهیم استاجی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۴)

چکیده

در میان گونه‌هایی که ما به‌عنوان ادبیات عامه می‌شناسیم، ضرب‌المثل‌ها یکی از بهترین زمینه‌های پژوهش درباره‌ اندیشه‌های گویشوران هر زبان به‌شمار می‌آیند. درحقیقت این گونه، بخشی از ادبیات هر سرزمین است که مردم آن را به‌عنوان بهترین راه برای بیان اندیشه‌های رایج میان خویش برگزیده‌اند و از آن به‌عنوان زبان گویای حالات روانی خود بهره می‌برند. از این رو، بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با تمرکز بر موضوع زن، با اتکا بر *امثال و حکم و فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفرد*، می‌تواند نمایانگر بخشی از ذهنیت گویشوران زبان فارسی و انگلیسی باشد؛ به‌ویژه زمانی که این بررسی هم‌سنگ با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌شناسی اریک برن و آلفرد آدلر صورت گیرد. آموزه‌هایی که با عنوان اصطلاح آلودگی در روان‌شناسی برن و اصطلاح اشتباه‌های بنیادی در روان‌شناسی آدلر مطرح شده است، می‌تواند زمینه را برای تحلیل دقیق ضرب‌المثل‌های این دو مجموعه فراهم سازد. بررسی دقیق و آماری ضرب‌المثل‌ها بر پایه دیدگاه‌های یادشده، رهگشای درک دقیق و واکاوی تطبیقی جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌های دو زبان

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول).

\* m.alavi2007@yahoo.com

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

خواهد بود. بررسی تطبیقی دو مجموعه ضرب‌المثل یادشده، این نکته را بر ما آشکار می‌سازد که درصد آلودگی و اشتباهات بنیادی در ضرب‌المثل‌هایی که در پیوند با موضوع زن هستند، در هر دو زبان بسیار بالاست؛ البته بسامد ضرب‌المثل‌های سالم در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد به میزان ۱۴/۳۵ درصد از ضرب‌المثل‌های فارسی امثال و حکم افزون‌تر است.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، زن، برن، آدلر، بررسی تطبیقی فارسی و انگلیسی، امثال و حکم، فرهنگ آکسفورد.

## ۱. مقدمه

بررسی‌های تطبیقی با کشف اشتراک‌ها می‌توانند راهگشای تعامل و تفاهم فرهنگی میان گویشوران زبان‌های مختلف شوند و ما را به یکی از اهداف اصلی ادبیات تطبیقی که همانا گفت‌وگوی تمدن‌هاست (ر.ک: مقدادی، ۱۳۸۱: ۱۲۹) رهنمون گردند و از این رو که امکان ارزیابی مسائل اجتماعی در سطح بین‌المللی را فراهم می‌سازند، درخور توجه و اهمیت هستند؛ به ویژه زمانی که مسئله اصلی در بررسی تطبیقی، جایگاه زنان باشد؛ مسئله‌ای که در مطالعات میانه‌های قرن حاضر بسیار مورد توجه است.

بر بنیاد آنچه در تعریف ضرب‌المثل‌ها آمده، مثل‌ها یکی از گونه‌های ادبیات عامیانه هستند (ر.ک: سپیک، ۱۳۸۹: ۱۵) که میان اهالی هر زبان رایج و جاری است (ر.ک: داد، ۱۳۸۵: ۴۲۶) و به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی ادبیات فولکلور، دربردارنده آداب و رسوم اجدادی، باورها و حتی افسانه‌های پیشینیان‌اند؛ به همین سبب، یکی از بهترین راه‌های بررسی فرهنگ‌ها شناخته می‌شوند (ر.ک: ناصری، ۱۳۹۰: ۹) و از آن‌جا که آینه تمام‌نمای زندگی واقعی گویشوران هر زبان هستند (ر.ک: سپیک، ۱۳۸۹: ۱۵) در پژوهش‌های روان‌شناختی می‌توانند بسیار کارآمد باشند.

برای بررسی دقیق تأثیرات و پیامدهای روان‌شناختی ضرب‌المثل‌های هر زبان، باید از دیدگاه‌های روان‌شناختی بهره برد. در مقاله پیش رو، دیدگاه‌های آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷م) و اریک برن (۱۹۱۰-۱۹۷۰م)، بنیان و اساس بررسی هم‌سنجی هستند که هدف از آن تعیین دقیق جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی است.

دیدگاه‌هایی که به‌عنوان اساس واکاوی، از بررسی‌های سلیقه‌ای ضرب‌المثل‌ها جلوگیری می‌کنند و به‌عنوان یک معیار و اساس، دقت بررسی‌ها را افزایش می‌دهند. تمرکز مقاله پیش‌رو بر جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی است؛ بنابراین نگارندگان می‌کوشند با بررسی تطبیقی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی بر بنیاد دیدگاه‌های اریک برن و آلفرد آدلر به نگاهی جامع‌تر از تفاوت‌ها و اشتراک‌ها، میان مؤلفه‌های فرهنگی گویشوران این دو زبان در دو کشور انگلستان و ایران دست یابند. اتکای ما در بررسی ضرب‌المثل‌ها در زبان فارسی بر روی *امثال و حکم دهخدا* و در زبان انگلیسی بر روی *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد*<sup>۱</sup> خواهد بود. دلیل انتخاب این دو اثر آن است که با وجود آثار متعدد در این زمینه، *امثال و حکم دهخدا* همچنان کامل‌ترین اثر در زبان فارسی است و در زبان انگلیسی نیز معتبرترین اثر با تمرکز بر ضرب‌المثل‌های انگلیسی *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* است.

## ۲. ادبیات پژوهش

### ۲-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

پرسش‌های بنیادینی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست، بدین شرح‌اند:  
الف) در *امثال و حکم* و *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* میان ضرب‌المثل‌هایی که به گونه‌ای در پیوند با موضوع زن هستند، می‌توان آلودگی یا اشتباه بنیادی یافت؟  
ب) میزان آلودگی و اشتباه‌های بنیادی ضرب‌المثل‌های مرتبط با زنان، در دو کتاب مورد بررسی به چه شکل است؟  
پ) از بررسی تطبیقی درصدهای این آلودگی‌ها و اشتباه‌های بنیادی در دو زبان چه نتایجی می‌توان گرفت؟  
فرضیه‌هایی که در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها مطرح می‌شوند، به ترتیب عبارت‌اند از:  
الف) آلودگی‌های روان‌شناختی و اشتباه‌های بنیادی پیرامون موضوع زن، در *امثال و حکم* و *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* با بسامد بالا قابل مشاهده است.

ب) آلودگی‌های روان‌شناختی و اشتباه‌های بنیادی ضرب‌المثل‌های مرتبط با زنان، در کل در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی، بیش از زبان انگلیسی است.

پ) اشتباه‌های بنیادی و آلودگی در ضرب‌المثل‌های در پیوند با موضوع زن، در هر دو زبان به اندازه‌ای بالاست که می‌توان گفت زن‌ستیزی در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی گویشوران هر دو زبان رواج دارد.

## ۲-۲. شیوه و روش تحقیق

این تحقیق بر بنیاد شیوه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از تحلیل، توصیف و نیز بررسی آمار ضرب‌المثل‌های در موضوع تعیین‌شده، انجام شده است. تحقیق به این گونه است که نخست، دیدگاه آلفرد آدلر، با تمرکز بر نظریه اشتباه بنیادی و دیدگاه اریک برن، با تمرکز بر نظریه آلودگی تبیین می‌گردد؛ سپس، ضرب‌المثل‌های مرتبط با زنان در هر دو زبان از کتاب‌های ذکرشده، استخراج می‌گردد. در مرحله بعد نسبت آلودگی و اشتباه بنیادین ضرب‌المثل‌ها در هر زبان به دقت مشخص و به شکل درصدی نمایش داده می‌شود. در نهایت، بررسی تطبیقی داده‌ها انجام می‌شود تا نتیجه‌گیری نهایی صورت گیرد.

درباره *امثال و حکم* دهخدا ذکر این نکته ضرورت دارد که گرچه این منبع همچنان به‌عنوان یکی از معتبرترین مجموعه ضرب‌المثل پارسی شناخته می‌شود، برخی نقدها بر شیوه گردآوری پدیدآورنده آن وارد است، از جمله گردآوردن بسیاری از کنایه‌ها و نیز اشعاری که شهرت نسبی دارند به عنوان ضرب‌المثل؛ از این رو گرچه جامعه آماری ما برای ضرب‌المثل‌های فارسی، *امثال و حکم* است، این جامعه آماری را به دقت با کتاب دوجلدی *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* - که اثری است جدیدتر و در آن به تمایز میان کنایه، شعر معروف و ضرب‌المثل با دقت بسیار توجه شده است - تطبیق دادیم تا نتیجه نهایی، دقیق‌تر و صحیح‌تر باشد.

### ۳-۲. پیشینه تحقیق

طبق بررسی‌های صورت گرفته، آثاری که در روش و یا موضوع نگارش به پژوهش پیش رو شباهت داشته‌اند عبارت‌اند از:

۱. ناهید شاملو (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، س ۲، ش ۶، صص ۲۱۹-۲۳۳. گرچه موضوع آن شباهت قابل توجهی به مقاله پیش رو دارد، اما شیوه و روش بررسی کاملاً متفاوت است.

۲. علی اکبر عباسیان (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه امثال و حکم). در این کتاب گرچه شیوه کار و موضوع با پژوهش پیش رو متفاوت است؛ اما در حوزه مسائل سیاسی ایران، تحقیق در خور توجهی است که کوشیده است ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان را با استناد به ضرب‌المثل‌های فارسی ارائه نماید.

۳. عبدالرضا محمدحسین‌زاده و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی جنسیت در ضرب‌المثل‌ها با توجه به آیات و احادیث»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، س ۷، ش ۴ (پیاپی ۲۲)، صص ۷-۳۱. در این مقاله تأکید بر بررسی جنسیت در ضرب‌المثل‌ها با اتکا به احادیث و آیات قرآن است؛ بنابراین بنیان نظری کار و نیز شیوه بررسی با پژوهش پیش‌رو متفاوت است.

۴. جمیله فاطمی (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب‌المثل‌های فارسی»، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۲، ش ۱، صص ۸۷-۹۹. این مقاله با توجه به کوشش برای یافتن لغزش‌های فکری به مقاله پیش رو شباهت‌هایی دارد؛ اما فاقد نظریه‌ای بنیادین برای بررسی ضرب‌المثل‌هاست.

۵. سیدمهدی مسبوق و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات»، لسان‌مبین، س ۵، ش ۱۴، صص ۱۰۲-۱۱۹. در این اثر نیز همچون پژوهش محمدحسین‌زاده، اساس کار آیات و روایات است.

۶. پروین امین‌الرعیایا و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۳۴، صص ۸۹-۱۲۰. در این مقاله نیز گرچه برخی ویژگی‌های منتسب به زنان بررسی می‌شود؛ اما دیدگاه بنیادی و شیوه کار با پژوهش پیش‌رو تفاوت بنیادی دارد.

7. Ebrahim Estaji and Ali Sadeghimanesh (2016), "Pathology of the psychological contaminations in Dehkhoda's Amsalo Hekam based on the thought of Eric Berne". *International Journal of Humanities and Cultural Studies*. Special Issue :2139-2150.

مقاله‌نهایی از نظر شیوه پرداختن به ضرب‌المثل‌ها شباهت افزون‌تری به کار پیش‌رو دارد؛ البته باید در نظر داشت که بنیان نظری این مقاله صرفاً متکی بر نظریه اریک برن است و حالت تطبیقی میان ضرب‌المثل‌های دو زبان وجود ندارد؛ افزون‌براین، موضوعی که در مقاله معرفی شده بر آن تمرکز شده است، زن نیست؛ بلکه آلودگی‌های مانع درک متقابل و همبستگی اجتماعی است؛ بنابراین مقاله پیش‌رو را باید در نوع خود نو و در شیوه پژوهش کاملاً تازه و بدیع دانست.

#### ۴-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

در میان گونه‌هایی چون ترانه، قصه، اساطیر و ضرب‌المثل که زیرمجموعه ادبیات عامه هستند و موضوعات آن‌ها برگرفته از فرهنگ قومی است (ر.ک: داد، ۱۳۸۵: ۲۴)، ضرب‌المثل‌های رایج در میان هر قوم و ملت، نموداری از ذوق، قریحه، صفات اخلاقی، افکار، تصورات، رسوم و عادات آن ملت (ر.ک: شکورزاده بلوری، ۱۳۸۰: هفت) و بازگوکننده حقایق فرهنگی و روشنگر نقاط کور تاریخی و فرهنگی گویشوران هر زبان هستند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۳۸) و بیش از دیگر گونه‌های ادب عامه می‌توانند معرف فرهنگ و اندیشه گویشوران هر زبان باشند (ر.ک: دیویدف، ۱۳۸۹: هفت). ضرب‌المثل‌ها حاصل درک گویشوران هر زبان از کیفیت مسائلی هستند که طی روزگاران بر آن‌ها گذشته است (ر.ک: پرتوی آملی، ۱۳۹۱: ۱/یازده). نگاه ناقدانه به ضرب‌المثل‌هایی که درباره موضوع زن رواج یافته‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع شود. در حقیقت مردم در به‌کار بردن برخی از این ضرب‌المثل‌ها، متوجه این نکته نیستند که ممکن است پذیرش و به‌کاربردن آن پیامد خوشایندی نداشته باشد.

چنین است که در زمانه‌ای که مسئله زنان بسیار جدی و مهم به‌شمار می‌آید، نگاه ناقدانه به برخی از ضرب‌المثل‌های بر محور زنان، می‌تواند از پیامدهای ناخوشایند فردی و اجتماعی آن جلوگیری کند. هنگامی که این نگاه ناقدانه با یک بررسی تطبیقی همراه می‌شود و درکی فراملیتی به خواننده می‌بخشد، یافته‌ها قابل توجه‌تر می‌شوند و گستره نگاه پژوهشگران و مخاطبان را گسترده‌تر می‌سازد.

### ۳. مبانی نظری تحقیق

درک این نکته ضرورت دارد که در آسیب‌شناسی کارکرد ضرب‌المثل‌ها برای جلوگیری از نگرش سلیقه‌ای، نیازمند بهره‌گیری از نظریات آزموده‌شده و معتبر روان‌شناختی هستیم؛ بر همین اساس مبنای بررسی ما در این جستار، افکار و دیدگاه‌های آلفرد آدلر و اریک برن است. پیش از ورود به مبحث اصلی به تبیین برخی از مفاهیم روان‌شناختی این دو روان‌شناس - که در تحلیل محتوای ضرب‌المثل‌ها می‌توانند مفید باشند - می‌پردازیم. گفتنی است دلیل بهره‌گیری از دیدگاه‌های دو روان‌شناس برای بررسی ضرب‌المثل‌ها آن است که نظریات این دو روان‌شناس در بررسی دقیقی که مورد نظر ماست، می‌توانند به شکل مکمل هم عمل کنند و به این بررسی تطبیقی، غنا و ارزش دوچندان بخشند و آن را از آفت بررسی‌های سلیقه‌ای مصون دارند.

#### ۳-۱. دیدگاه‌های آلفرد آدلر

آلفرد آدلر (۱۹۳۷-۱۸۷۰م)، روان‌شناس اتریشی، بر این باور بود که بشر موجودی اجتماعی است تا جنسی (ر.ک: نورد بی و هال، ۱۳۷۹: ۲۳). بر بنیاد آرای او، بشر از طریق انتظاراتی که در ذهن خویش و برای آینده‌اش می‌پروراند، به حرکت و جنبش درمی‌آید. این انتظارات ذهنی برای آینده، ممکن است کاملاً تخیلی و وهمی باشند و در واقعیت، راهکار سنجیده‌ای برای دستیابی بدان‌ها وجود نداشته باشد؛ اما به هر روی، تأثیری ژرف بر رفتار و شخصیت فرد می‌گذراند (ر.ک: همان، ۲۵).

از میان دیدگاه‌های آدلر، آنچه وی با عنوان سبک زندگی<sup>۲</sup> تعریف می‌کند در پژوهش پیش رو درخور توجه است، به ویژه از آن رو که آدلر سبک زندگی هر فرد را

به عنوان راهی برای فهم آینده و معرفی می‌کند (آدلر، ۲۰۱۳: ۹۹). بر بنیاد نگاه او «سبک زندگی معرف نحوه کنار آمدن شخص با موانع زندگی و شیوه وی برای یافتن راه حل‌ها و رسیدن به اهدافش است» (شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۶). به باور آدلر (۲۰۰۹: ۱۲) سبک زندگی در اوایل کودکی شکل می‌گیرد. او سبک‌های زندگی را بر اساس دو بُعد دسته‌بندی می‌کند: علاقه اجتماعی و میزان فعالیت. در بُعد علاقه اجتماعی، شاهد دلسوزی و تمایل به همکاری با دیگران برای پیشبرد اهداف اجتماعی هستیم و در بُعد فعالیت منظور آدلر میزان انرژی‌ای است که فرد برای گذر از موانع و حل مشکلاتش صرف می‌کند (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۶).

آنچه در این تعاریف برای ما اهمیت دارد، علاقه اجتماعی است که بر بنیاد دیدگاه آدلر، گرچه مفهومی فطری است؛ اما رابطه والد و کودک در شکل‌دهی به آن نقش مهمی دارد. اهمیت این مفهوم به اندازه‌ای است که آدلر آن را معیار سلامت روانی در نظر می‌گیرد و فرد کم‌بهره از آن، به باور وی شخصیتی خودمحمور خواهد شد که دیگران را تحقیر می‌کند و اهداف سازنده‌ای ندارد (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۸). در نقطه مقابل علاقه اجتماعی که معیار سلامت روانی است، خطاهایی قرار دارند که موجب اجتناب و کناره‌گیری از دیگران، یا خودخواهی و قدرت‌طلبی می‌شوند و در حقیقت جزئی از جنبه‌های خودمخرب سبک زندگی افراد هستند (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۵۸). آدلر (۲۰۰۹: ۱۲) در روان‌شناسی خود این خطاها را اشتباه بنیادی<sup>۴</sup> می‌نامد. یکی از پیروان آدلر، موساک، این اشتباه‌های بنیادی را به گونه‌ای دقیق دسته‌بندی کرده است:

۱. حکم‌های کلی: حکم‌های کلی شامل استفاده از کلماتی چون «همه»، «هرگز»، «هر کس» و «هر چیز» می‌شوند. مثلاً: «همه باید دوستم داشته باشند»، «من هرگز نمی‌توانم کاری را درست انجام بدهم» یا «همه ناراحت می‌کنند».

۲. اهداف امنیتی غلط یا غیرممکن: فرد جامعه را در مقابل و علیه خودش می‌بیند و احساس اضطراب می‌کند؛ مثلاً «مردم می‌خواهند حقم را ضایع کنند» و «من هرگز موفق نخواهم شد».

۳. برداشت غلط درباره زندگی و الزامات زندگی؛ مثلاً «زندگی خیلی سخت است» و «من هرگز شانس نمی‌آورم».



۴. خوارکردن یا بی‌ارزش جلوه‌دادن خود؛ در این خطا، شخص اظهاراتی مبنی بر بی‌ارزش بودنش می‌کند؛ مثلاً «من احمقم.» یا «هیچ‌کس دوستم ندارد».

۵. ارزش‌های اشتباه؛ این خطا عمدتاً با رفتار رابطه دارد؛ مثلاً «اگر می‌خواهی کارت راه بیفتد، باید تقلب کنی» یا «حق دیگران را ضایع کن قبل از آنکه حق تو را ضایع کنند» (شارف به نقل از موساک، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

از آن‌جا که ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان بخشی از ادبیات عامیانه، ممکن است در محیط خانواده و جامعه به کار روند و حتی به کارگیری آن‌ها بر تربیت کودک تأثیر بگذارد، توجه به این نکته که از اشتباه‌های بنیادی تهی باشند و به علاقه اجتماعی افراد آسیب نزنند و تبدیل به عامل مخرب سبک زندگی افراد نگردند، بایستی یکی از دغدغه‌های پژوهشگران این حوزه باشد.

## ۲-۳. آرای اریک برن

اریک برن با ارائه الگویی نوین از ساختار شخصیت، سعی در تبیین شخصیت انسان و درک کیفیت تبادلهایی داشت که اساس کار او در روان‌درمانی بودند. در این راستا، او با تعریف مفهوم «حالت من»<sup>۵</sup> شخصیت انسان را به سه بُعد والد، بالغ و کودک تقسیم کرد.

درباره حالت من والد باید گفت که کلیت این حالت پیش از ورود فرد به اجتماع، یعنی از تولد تا پنج‌سالگی و تحت تأثیر مقررات، باید و نبایدها و هنجارهای والدین پدید آمده است (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۳۰). افکار، احساسات و رفتار فرد زمانی که در حالت من قرار دارد، درست شبیه پدر و مادر و یا اشخاصی است که در کودکی جانشین آن‌ها بودند و وظیفه نگهداری و تربیت کودک را بر عهده داشتند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳)؛ به همین سبب است که در گفتار فرد در حالت من، بسامد واژگانی چون «باید»، «هرگز»، «هیچ وقت»، «یادت باشد» و ... بسیار بالاست (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۳۵).

حالت بالغ، تنها حالت من است که به اکنون و زمان حال معطوف است. در این حالت من، فرد با اتکا به تمام توانایی‌ها و دانسته‌های خویش می‌کوشد نگاهی جامع و فاقد پیش‌داوری به پیرامون خود داشته باشد و از این رهگذر به حل مسائل و گذر از

چالش‌هایی بپردازد که در همان لحظه پیش‌روی او قرار گرفته است و تفکر و تأمل او را می‌طلبد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳). این حالت من، وضعیتی را فراهم می‌آورد که فرد در آن با بهره‌گیری از تفکر، منطق و استدلال به تحلیل اوضاع بپردازد و از این رهگذر به گفت‌وگو با دیگران روی آورد (ر.ک: ایزدی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

در برخی موقعیت‌ها، رفتار، افکار و احساس‌های شخص به گونه‌ای است که گویی انعکاسی از رفتارهای او در دوران کودکی اوست. در این مواقع، شخص در حالت من کودک خود قرار دارد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). در تبیین دقیق‌تر حالت کودک باید گفت که این حالت من، خلاف حالت بالغ که ظهور آن بیشتر با گونه‌ای تفکر و تأمل همراه است، با احساس کردن و به عبارتی، با کنشگری احساسی همراه است.

### ۱-۲-۳. اختلال آلودگی در حالات من

وجود هر سه حالت من به صورت متعادل در شخصیت انسان امری ضروری است؛ در این میان اما مواردی نیز وجود دارد که در آن، حالت‌های من شخص دچار اختلال می‌شود و در پی آن شخصیت او نیز با اختلال روانی مواجه می‌گردد. «آلودگی» از جمله اختلال‌هایی است که فرد بدان دچار می‌شود.

در این اختلال، ما شاهد تخلیط حالت‌های من در یکدیگر هستیم؛ به بیان دقیق‌تر، حالت بالغ در این وضعیت، نمی‌تواند استقلال خود را حفظ کند و در یکی از حالت‌های والد یا کودک و گاهی در هر دوی آن‌ها، ادغام می‌شود (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۱۲۲). تخلیط حالت بالغ با هر کدام از دو حالت من دیگر، پیامدهای متفاوتی دارد.

زمانی که حالت من بالغ با حالت من والد درهم آمیخته می‌گردد، وضعیت و حالتی پدید می‌آید که آن را حالت تعصب و پیش‌داوری می‌نامند؛ در این حالت، شخص پیام‌های اندوخته‌شده در حافظه حالت والد خود را که در بیشتر موارد، هنجارها، باید و نبایدها و فرمان‌های پدر و مادر او بوده‌اند- با واقعیاتی که حالت بالغش از طریق تفکر و استدلال به آن دست یافته است، در هم می‌آمیزد و بدین گونه با نگاهی متعصبانه و مملو از پیش‌داوری، به پیرامون خود می‌نگرد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۱۷)؛ جملاًتی چون «همه اصفهانی‌ها خسیس هستند»، «تمام جوان‌های امروزی تنبل هستند»، «اگر

می‌خواهی پیشرفت کنی، هیچ وقت به کسی اعتماد نکن»، «زن‌ها کلاً به درد مشورت نمی‌خورند» پیش‌داوری‌هایی هستند که به سبب بروز این گونه اختلال پدید آمده‌اند. دو حالت دیگر آلودگی، وضعیت‌هایی هستند که حالتِ بالغ با حالت کودک تخلیط می‌شود که این وضعیت را «وهم» یا «هذیان» می‌نامند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۱۹) و نیز حالتی که در آن حالت بالغ، هم‌زمان با حالت والد و کودک تخلیط می‌شود که این گونه را «آلودگی دوطرفه» نامیده‌اند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۲۰). نکته درخور توجه آنکه - چنان‌که در ادامه پژوهش شاهد خواهید بود - تمام آلودگی‌ها درباره جایگاه زنان، میان ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی از گونه آلودگی نخست، یعنی پیش‌داوری و تعصب هستند.

#### ۴. بررسی جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی

بررسی دقیق جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* و *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* بر بنیان دیدگاه‌های روان‌شناختی آلفرد آدلر و اریک برن و با در نظر گرفتن پرسش‌های بنیادینی که در مقدمه به آن اشاره کردیم، گویای این نکته است که می‌توان جلوه‌هایی از اشتباه‌های بنیادی و آلودگی را در ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی مشاهده کرد. این گویشوران زبان هستند که هرگاه گزاره‌ای ادبی برایشان جذاب می‌نماید و می‌تواند بیانگر حالات روانی و امیالشان باشد، آن را برمی‌گزینند و آن چنان با بسامد بالا به نقل آن می‌پردازند که اندک‌اندک به‌عنوان ضرب‌المثل، رایج می‌گردد؛ بنابراین این گونه ادب عامیانه از سویی جلوه‌گاه فرهنگ و نوع نگرش گویشوران عامی یک زبان، حداقل در گذشته، است و از دیگر سو به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر عموم مردم در آینده، می‌تواند شناخته شود و بایستی با نگاهی دقیق و نقادانه بررسی شود تا آسیب‌های احتمالی آن سنجیده شود. اهمیت چنین بررسی‌هایی زمانی بیشتر نمود می‌یابد که ضرب‌المثل‌ها، گاه چنان اقبالی میان عامه می‌یابد که همچون اندیشه‌ای استوار و خدشه‌ناپذیر به آن استناد می‌کنند و با اساس قراردادن آن‌ها، به استدلال پیرامون موضوعات مختلف می‌پردازند.

پیش از آغاز بررسی ضرب‌المثل‌ها، ذکر این نکته ضرورت دارد که کارکرد برخی ضرب‌المثل‌ها میان مردم، همیشه با معنا و کارکرد آن‌ها در متون ادبی همخوانی ندارد؛ از این رو، برای درک مفهوم کلی‌ای که مردم از ضرب‌المثلی درک می‌کنند یا ترجیح می‌دهند از آن درک کنند، میزان تکرار مفهوم به شکل‌های مختلف، بسیار تعیین‌کننده است؛ بنابراین بسامد به‌کارگیری یک مفهوم در ضرب‌المثل‌های مختلف، به‌عنوان عامل تعیین‌کننده سلیقه عمومی مورد توجه قرار گرفت. از همین روی تلاش می‌کنیم ابتدا مفاهیمی کلی را در نظر بگیریم، سپس ضرب‌المثل‌ها را با توجه به کاربرد غالبشان در زیرمجموعه این مفاهیم کلی بنگاریم تا امکان یافتن بسامد و در پی آن درک سلیقه عمومی فراهم گردد.

در ضرب‌المثل‌های فارسی *امثال و حکم* و ضرب‌المثل‌های انگلیسی *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* جایگاه زنان از چند بُعد و جنبه قابل بررسی روان‌شناختی است. باید این نکته را در نظر داشت که تمام آنچه با عنوان اشتباه‌های بنیادی و آلودگی‌های روان‌شناختی در بخش بنیان‌های نظری تبیین شد، در بررسی ضرب‌المثل‌ها می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند. این هم‌پوشانی، از سویی به‌سبب نوع نگرش‌های متفاوتی است که ممکن است ضرب‌المثل‌ها را به‌کار بگیرد و رواج دهد و از دیگر سو ناظر بر پیامدهای چندگانه‌ای و چندگونه‌ای است که ممکن است کارکرد این ضرب‌المثل‌ها داشته باشند.

##### ۵. تجزیه و تحلیل توصیفی - آماری جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌ها

برای درک دقیق‌تر جایگاه زنان در ضرب‌المثل‌ها، بر اساس دیدگاه روان‌شناختی آلفرد آدلر و اریک برن، ضرب‌المثل‌های هر دو زبان را از دو کتاب *امثال و حکم* و *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* استخراج و در پنج گروه دسته‌بندی کردیم. با توجه به تفاوت تعداد ضرب‌المثل‌های موجود در این موضوع در دو کتاب، برای دست‌یافتن به درکی ژرف‌تر، افزون‌بر توضیح مسائل روان‌شناختی، همراه با نمودار، درصد فراوانی آن‌ها در هر زبان را مشخص کردیم تا بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری نهایی آسان‌تر و البته دقیق‌تر شود. آنچه در ادامه می‌آید، پنج گروه ضرب‌المثل است که به صورت توصیفی، تحلیلی و آماری، دورنمایی از جایگاه زنان را در ضرب‌المثل‌های این دو کتاب، ارائه می‌دهد.

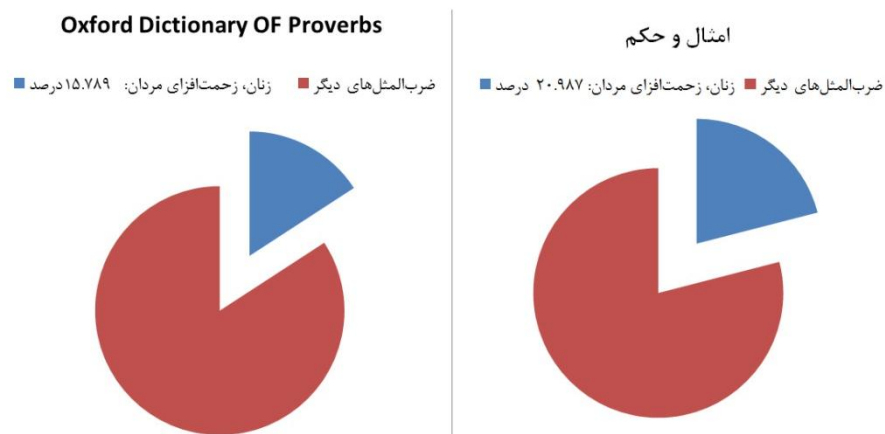
### ۵-۱. زنان، زحمت‌افزای مردان

در برخی ضرب‌المثل‌ها، همهٔ زنان موجب زحمت مردان ارزیابی شده‌اند و مرد نیمی از جامعه، یعنی زنان را علیه خودش می‌بیند. در برخی از این ضرب‌المثل‌ها ویژگی‌های ناپسندی چون مکر، حیله، بی‌وفایی به زنان نسبت داده شده است، همانند «مکر زن ابلیس دید و بر زمین بینی کشید» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۴/۱۷۲۲؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲/۱۶۹۰) و یا «زن ز وفا شود ز زیور نشود» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/۹۲۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۰). در زبان انگلیسی نیز نمونه‌هایی بدین‌سان وجود دارد که زنان را سبب زحمت مردان ارزیابی می‌کند:

(اسپیک<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷: ۳۴۵) «If you would be happy for a week take a wife»

ترجمه: اگر می‌خواهی [فقط] برای یک هفته خوشبخت باشی، زن بگیر.  
این‌گونه نگاه بر بنیاد دیدگاه آلفرد آدلر شامل حکم کلی (اشتباه بنیادی اول) و اهداف امنیتی غلط (اشتباه بنیادی دوم) و همچنین بر بنیاد دیدگاه اریک برن، آلودگی از نوع پیش‌داوری است.

چنان‌که در نمودار دایره‌ای قابل مشاهده است ۲۰/۹۸۷ درصد از ضرب‌المثل‌های امثال و حکم و ۱۵/۷۸۹ درصد از ضرب‌المثل‌های فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد بیانگر این موضوع هستند.



نمودار ۱: بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «زنان، زحمت‌افزای مردان»

## ۵-۲. زنان، کم‌توان‌تر از مردان

در برخی دیگر از ضرب‌المثل‌ها همه زنان در اساس کم‌توان‌تر از مردان در نظر گرفته شده‌اند. کم‌توان‌تر بودن زنان هم از نظر عقلانی است که در این حیطة، مشورت نکردن با زنان (هم به سبب نادانی زنان و هم ناتوانی در نگاهداشت راز) توصیه شده است و هم از نظر بدنی. ضرب‌المثل‌هایی چون «زن ناقص‌العقل است» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/ ۹۲۶؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۱۴۲) یا «زن ار چه دلیرست و با زور و دست/ همان نیم مرد است هر چون که هست» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/ ۹۲۰؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۳۲) از این قبیل هستند. در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز این نگرش بسامد دارد، برای نمونه:

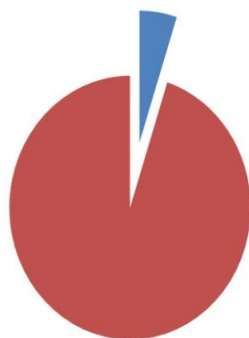
(اسپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۱) «A woman's work is never done».

ترجمه: کار زنان، تمامی ندارد و در توضیح آن آمده است که کار زنان هیچ‌گاه تمام نمی‌شود؛ زیرا هیچ‌گاه آغاز نمی‌شود.

بر اساس دیدگاه آدلر این شیوه نگاه افزون‌بر اشتباه بنیادی اول (حکم کلی) از آن رو که هم‌زیستی و رایزنی مردان با زنان یکی از الزامات زندگی اجتماعی است، شامل اشتباه بنیادی سوم (برداشت غلط درباره زندگی و الزامات زندگی) می‌شود. در این مورد نیز شاهد آلودگی از گونه پیش‌داوری بر بنیاد دیدگاه اریک برن هستیم.

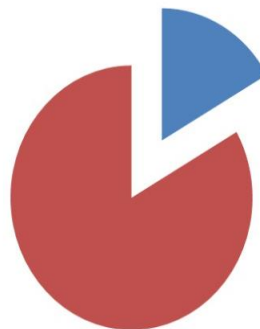
Oxford Dictionary OF Proverbs

ضرب‌المثل‌های دیگر ■ زنان، کم‌توان‌تر از مردان: ۵.۲۶۳ درصد ■



امثال و حکم

ضرب‌المثل‌های دیگر ■ زنان، کم‌توان‌تر از مردان: ۱۶.۶۶۶ درصد ■



نمودار ۲: بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «زنان، کم‌توان‌تر از مردان»

طبق آنچه در نمودارهای دایره‌ای نیز می‌توانید مشاهده کنید، در ۱۶/۶۶۶ درصد ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* و در ۵/۲۶۳ درصد ضرب‌المثل‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* این مسئله وجود دارد.<sup>۶</sup>

### ۳-۵. کالاولارگی زنان

نگاه به زن، به گونه‌ای که گویی همهٔ افراد این جنسیت صرفاً به‌مثابهٔ کالایی هستند که نیاز جنسی مردان را برطرف می‌کنند یا تنها برای زایش فرزند و رُفت و رُوب هستند، نگرشی است که افزون بر آنکه شامل اشتباه بنیادی سوم (برداشت غلط دربارهٔ زندگی و الزامات زندگی)، اول (حکم کلی) و نیز آلودگی از گونهٔ پیش‌داوری می‌شود، از آن‌جا که پیامی پنهانی و نادرست نیز در خود دارد، مبنی بر اینکه «با زنان همچون کالا برخورد کنید تا کارتان پیش رود»، اشتباه بنیادی پنجم (ارزش‌های اشتباه) را نیز در خود دارد. ضرب‌المثل‌هایی چون «زن که رسید به بیست، باید به حالش گریست» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/ ۹۲۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱/ ۱۱۴۱) و یا «از حمام می‌آیی، برو خانهٔ شوهر! از جامه‌شویی، خانهٔ مادر!» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۲۳؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۸۷) از این گونه‌اند. این شیوهٔ نگرش در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز بازتاب دارد:

«A whistling woman and a crowing hen are neither fit for God nor men»

(اسپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۱).

ترجمه: یک زن غرغرو و یک پرندهٔ پرسر و صدا، نه برای خدا مناسب هستند و نه برای مردان.

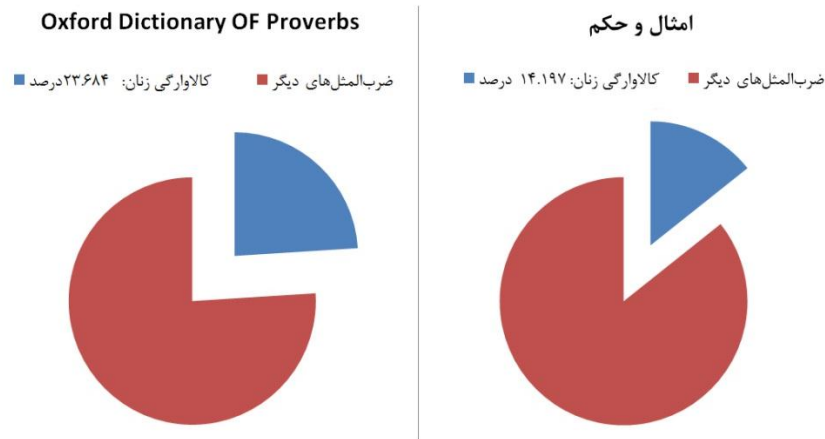
یا این ضرب‌المثل:

«One hair of a woman draws more than a hundred yoke of oxen»

(اسپیک، ۲۰۰۷: ۱۵).

ترجمه: یک تار موی یک زن، به بیش از صد جفت گاو می‌ارزد.

چنان‌که در نمودارهای دایره‌ای نیز مشهود است، این مسئله در ۱۴/۱۹۷ درصد ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* و نیز ۲۳/۶۸۴ درصد ضرب‌المثل‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* وجود دارد.



### نمودار ۳: بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «کالوارگی زنان»

#### ۴-۵. ضرورت محدود کردن زنان

لزوم ایجاد محدودیت یا رفتار خشونت‌آمیز برای تنبیه زنان از دیگر مواردی است که در برخی ضرب‌المثل‌ها شاهد آن هستیم که بر بنیاد دیدگاه آدلر شامل ارزش‌های اشتباه (اشتباه بنیادی پنجم) است. اگر پیام نهفته چنین نگرشی را این جمله نادرست بدانیم که «همه زنان توان درک نادرستی برخی امور را ندارند، بنابراین بایستی با محدودیت برخی امور را به آن‌ها فهماند». بر اساس دیدگاه اریک برن ما شاهد آلودگی از گونه پیش‌داوری نیز هستیم و البته اشتباه بنیادی اول (حکم کلی) از نگاه آدلر هم درباره این مسئله جاری است. ضرب‌المثل‌هایی چون «زن چو بیرون رود بزن سختش / خودنمایی کند بکن رختش» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/۹۲۳؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱/۱۱۳۶) دچار این مسئله هستند.

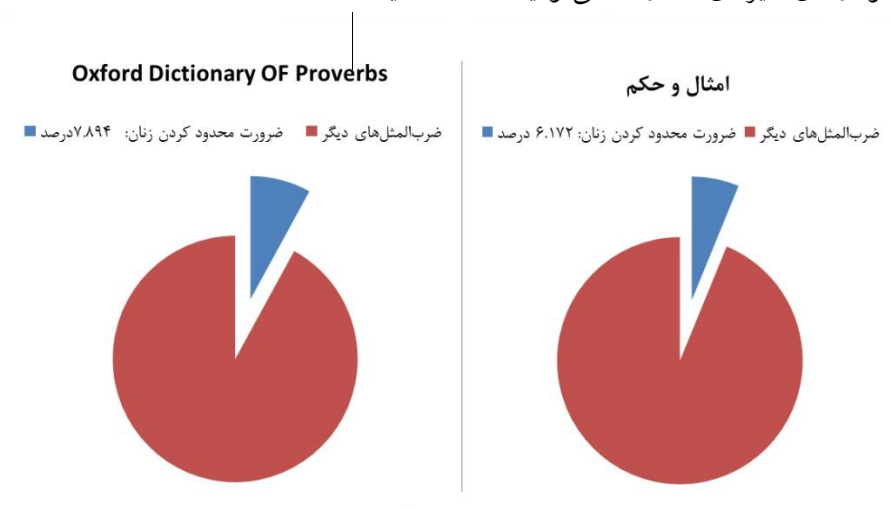
این شیوه نگرش در ضرب‌المثل‌های انگلیسی نیز بسامد دارد:

(اسپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۰) «A woman's place is in the home».

ترجمه: جای زنان در خانه است.



این مسئله به میزان ۶/۱۷۲ درصد در ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* و به میزان ۷/۸۹۴ درصد در ضرب‌المثل‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* رواج دارد که در نمودارهای دایره‌ای شماره ۳ می‌توانید مشاهده کنید.



نمودار ۴: بسامد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «ضرورت محدود کردن زنان»

#### ۵-۵. نگرش سالم به زنان

در ضرب‌المثل‌هایی که نه از دیدگاه آلفرد آدلر، اشتباه بنیادی خاص و نه از دیدگاه اریک برن آلودگی روان‌شناختی ویژه‌ای دارند، ممکن است حکمی به زنان با صفتی خاص (مثل سلیطه به معنای سلطه‌جو) نسبت داده شود که بر این اساس نمی‌توان آن‌ها را شامل اشتباه بنیادی یا آلودگی دانست؛ زیرا پی‌آورد چنین صفت‌هایی در این ضرب‌المثل‌ها-همان‌گونه که درباره زنان صدق می‌کند- درباره مردان نیز صادق است و گوینده چنین ضرب‌المثلی در حدی آگاه است که تمام افراد یک جنسیت را با یک دید نیند، همانند «زن نیک، عافیت زندگانی بود» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰/۲؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۳/۱). در زبان انگلیسی نیز چنین نگرشی که در آن برابری میان مرد و زن قابل برداشت است، با بسامد بالا مشاهده می‌شود. برای نمونه:

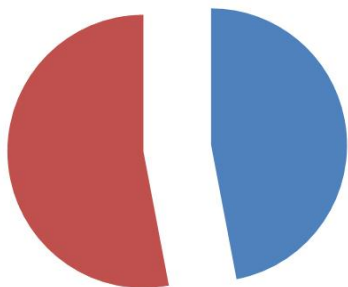
«Every man must follow his trade, and every woman her occupation»

(اسپیک، ۲۰۰۷: ۱۰۰).

ترجمه: هر مردی باید تجارت خود را دنبال کند و هر زنی شغل خود را.  
در امثال و حکم ۴۵/۹۷۵ درصد ضرب المثل‌ها و در فرهنگ ضرب المثل‌های آکسفورد  
۴۷/۳۶۸ درصد ضرب المثل‌ها با این رویکرد، سالم هستند.

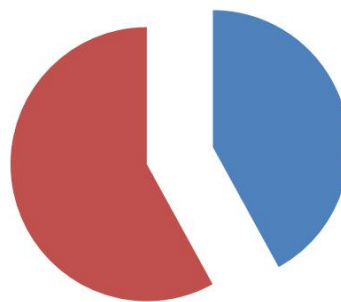
Oxford Dictionary OF Proverbs

■ ضرب المثل‌های دیگر ■ نگرش سالم به زنان: ۴۷.۳۶۸ درصد



امثال و حکم

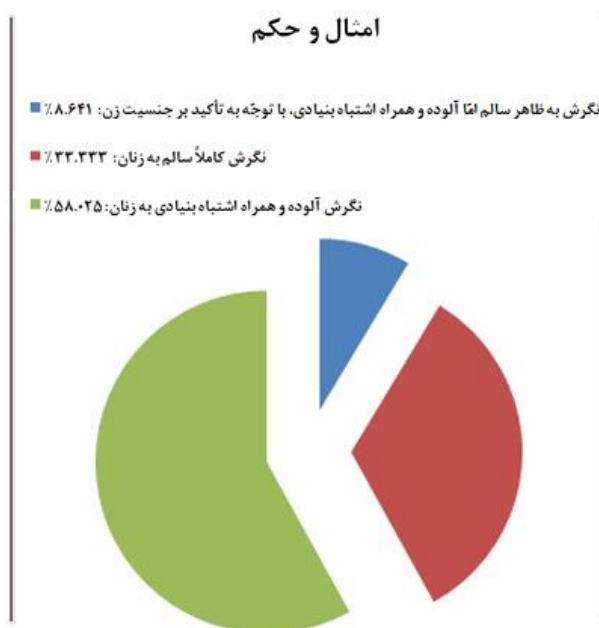
■ ضرب المثل‌های دیگر ■ نگرش سالم به زنان: ۴۱.۹۷۵ درصد



نمودار ۵: بسامد ضرب المثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «نگرش سالم به زنان»

بر مبنای رویکردی دیگر باید این نکته را در نظر گرفت که چرا گزاره‌ای که در آن صفت ویژه‌ای به زنان نسبت داده شده است، ضرب المثل می‌شود؛ ولی همان گزاره و صفت برای مردان، ضرب المثل نشده است؛ برای مثال در ضرب المثل «از سه چیز باید حذر کرد: دیوار شکسته، زن سلیطه، سگ گیرنده» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱/ ۱۳۵؛ ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۳۰۴/۱) از زن سلیطه به این شکل سخن رفته است؛ اما ضرب المثلی بدین مضمون یا مضمون مشابه برای مرد سلطه‌جو وجود ندارد. این بدان معناست که جامعه دچار اشتباه بنیادی از گونه اول (حکم کلی)، دوم (اهداف امنیتی غلط) و سوم (برداشت غلط درباره زندگی و الزامات آن) و نیز آلودگی از نوع پیش‌داوری است. از این رو، این گونه از ضرب المثل‌ها را که از نظر روان‌شناختی می‌توان گزاره‌ای سالم دانست؛ اما

ضرب‌المثل‌شدن نشان از اشتباه بنیادی و آلودگی دارد، باید در زیرمجموعه‌ای جداگانه آورد. نکته درخور توجه آنکه در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد ضرب‌المثل‌هایی که در عین سلامت ظاهری از نظر روان‌شناختی، صفاتی ویژه و نامناسب را صرفاً برای زنان بیاورند، یافت نشد. اما در *امثال و حکم* ۸/۶۴۱ درصد ضرب‌المثل‌ها دچار اشتباه بنیادی و آلودگی هستند و ۳۳/۳۳۳ درصد موارد کاملاً سالم ارزیابی می‌شوند.



نمودار ۶: بسامد ضرب‌المثل‌های به ظاهر سالم و کاملاً سالم در *امثال و حکم*

#### ۶. نتیجه‌گیری

بررسی آماری دقیق و تطبیقی جایگاه زن در *امثال و حکم* و فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناختی آلفرد آدلر و اریک برن، ما را به این نتیجه می‌رساند که برخی ضرب‌المثل‌ها، نگرش‌هایی همراه با اشتباه بنیادی و آلودگی نسبت به زنان دارند.

در *امثال و حکم* به میزان ۵/۱۹۸ درصد بیشتر از *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* شاهد نگرش آلوده و همراه با اشتباه بنیادی‌ای - که زنان را موجب زحمت مردان ارزیابی می‌کند - هستیم. گذشته از این اختلاف، این نکته که بیش از ۱۵ درصد ضرب‌المثل‌های انگلیسی و بیش از ۲۰ درصد ضرب‌المثل‌های فارسی دچار این مسئله هستند، نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن این نگرش آلوده و دارای اشتباه بنیادی در پیش‌زمینه فرهنگی هر دو زبان است.

این نگرش که زنان از اساس کم‌توان‌تر از مردان هستند، در *امثال و حکم* ۱/۴۰۳ درصد بیشتر از *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* رواج دارد که اختلاف معناداری است و نشان از ژرفای این نگاه، در پیش‌زمینه فرهنگی ایرانیان دارد.

نگاه به زنان همچون کالایی برای برآورده ساختن امیال مردان، در بیش از ۱۴ درصد ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* مشاهده می‌شود؛ در حالی که در بیش از ۲۳ درصد ضرب‌المثل‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* این باور وجود دارد. این مسئله در ضرب‌المثل‌های انگلیسی ۹/۴۸۷ درصد بیش از ضرب‌المثل‌های فارسی رواج دارد که نشان‌دهنده بحرانی‌تر بودن پیش‌زمینه ادبی - فرهنگی انگلیسی‌زبانان از این دیدگاه است. یکی از نکته‌های قابل توجه در این پژوهش آن است که نگرش همراه با آلودگی و اشتباه بنیادی‌ای که طبق آن، محدود ساختن زنان برای حفظشان از خطا ضرورت دارد، در هر دو مجموعه ضرب‌المثل فارسی و انگلیسی تقریباً به یک میزان، در فارسی اندکی بیش از ۶ درصد و در انگلیسی نزدیک به ۸ درصد بسامد داشت.

وضعیت ضرب‌المثل‌هایی که کاملاً سالم ارزیابی می‌شوند، در *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* بهتر از *امثال و حکم* است. اگر ۸/۶۴۱ درصد ضرب‌المثل‌های فارسی را که در ظاهر سالم هستند؛ اما به سبب تأکیدشان بر زنان، باید آن‌ها را آلوده و دارای اشتباه بنیادی دانست کنار بگذاریم، بسامد ضرب‌المثل‌های سالم در *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* به میزان ۱۴/۰۳۵ درصد از ضرب‌المثل‌های فارسی *امثال و حکم* افزون‌تر است.

در نهایت، آگاهی از این موضوع که ۵۸/۰۲۵ درصد از ضرب‌المثل‌های *امثال و حکم* و ۵۲/۶۳۲ درصد ضرب‌المثل‌های *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* از دیدگاه

روان‌شناختی، به صورت قطعی دارای آلودگی و اشتباه بنیادی هستند، ما را از این مسئله آگاه می‌سازد که در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی پارسی‌زبان‌ها و انگلیسی‌زبان‌ها گزاره‌های زن‌ستیزانه‌ای وجود دارد که بی‌توجهی در به‌کارگیری و پیامدهای آن، می‌تواند برای زنان در اجتماع انسانی مشکل‌ساز باشد؛ افزون بر آنکه اشتباه‌های بنیادی مخرب سبک زندگی افراد هستند و در برخی موارد علاقه اجتماعی افراد را دچار خطرات جدی می‌کنند. وجود آلودگی و اشتباه بنیادی در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی گویشوران هر زبان به همبستگی اجتماعی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. به باور جامعه‌شناسان کارکردگرا و از جمله امیل دورکهایم (۱۸۵۸-۱۹۱۷م)، همبستگی اجتماعی که نیاز بنیادین هر جامعه برای حفظ و پیشبرد اهداف خود است، از طریق نظام عقاید مشترک ایجاد می‌شود (به نقل از: کوزر، ۱۳۸۷: ۱۹۶). زمانی که بسامد آلودگی روان‌شناختی و نیز اشتباه بنیادی در روابط میان دو جنسیت - که باید مکمل یکدیگر باشند - بالا می‌رود، زنان و مردان به درکی صحیح از یکدیگر دست نمی‌یابند. در چنین وضعیتی افراد این جنسیت‌ها که از درک متقابل یکدیگر بی‌بهره هستند، به دشواری خواهند توانست به یک نظام عقیدتی مشترک دست یابند. عدم درک متقابل افراد هر جنسیت و نیز نظام عقایدی که محصول هم‌اندیشی و وفاق راستین آنان نیست، شکل‌گیری همبستگی اجتماعی را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌سازد و آنچه در این میان آسیب بنیادین می‌بیند، نه فقط جایگاه زنان که کلیت جامعه انسانی است.

#### پی‌نوشت‌ها

1. *Oxford Dictionary of Proverbs*
2. The style of life
3. Adler
4. fundamental error
5. ego state

۶. تعداد ۱۶۲ ضرب‌المثل فارسی درباره زنان در *امثال و حکم*، پس از تطبیق با *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* و حذف کنایه‌ها و شعرهای معروف و تعداد ۳۸ ضرب‌المثل انگلیسی با همین موضوع در *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* یافت شد. منبع انگلیسی که آخرین ویرایش آن را جنیفر اسپیک (Jennifer Speake) در سال ۲۰۰۷ انجام داده است، شامل رایج‌ترین ضرب‌المثل‌های انگلیسی است و از معتبرترین منابع این حوزه در زبان انگلیسی به‌شمار می‌آید. تفاوت تعداد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی، خود می‌تواند معنادار باشد و در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار

گیرد؛ البته برای جلوگیری از آسیب‌رساندن این تفاوت تعداد، بررسی‌های تطبیقی این پژوهش، به صورت درصدی صورت گرفت تا نتیجه نهایی دقیق‌تر و ژرف‌تر باشد.

## 7. Speake

### منابع

- استوارت، یان و ون. جونز (۱۳۹۱). *تحلیل رفتار متقابل: تأملی در روان‌شناسی تجربی*. ترجمه بهمن دادگستر. چ ۱۷. تهران: دایره.
- امین‌الرعایا، پروین و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های منتسب به زنان در ضرب‌المثل‌های فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۴. صص ۸۹-۱۲۰.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۸۵). *چرا عقب مانده‌ایم؟*. چ ۳. تهران: علم.
- برن، اریک (۱۳۹۱). *بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی*. ترجمه اسماعیل فصیح. چ ۱۷. تهران: ذهن‌آویز.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۹۱). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*. با مقدمه ابوالقاسم انجوی. ج ۲. چ ۶. تهران: سنایی.
- داد، سیما (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۳. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *امثال و حکم*. ج ۴. چ ۱۸. تهران: امیرکبیر.
- دیویدف، هنری (۱۳۸۹). *فرهنگ ضرب‌المثل‌ها*. ترجمه فرید جواهرکلام. چ ۲. تهران: فرهنگ معاصر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱). «خانواده و روابط خانوادگی در ضرب‌المثل‌های فارسی». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۳۱. صص ۱۳۷-۱۵۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. ج ۲. چ ۱. تهران: معین.
- سپیک، ییری (۱۳۸۹). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. چ ۳. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- شاملو، ناهید (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا». *پژوهشنامه فرهنگ و ادب*. س ۲. ش ۶. صص ۲۱۹-۲۳۳.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها*. چ ۴. مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

- شولتز، دوان پی. و سیدنی ال. شولتز (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چ ۳۲. تهران: نشر ویرایش.
- صمدی، بهاره و محمدرضا ابن الرسول (۱۳۸۹). «در نقد *امثال و حکم* دهخدا». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. س ۲. ش ۳ (۷). صص ۳۵-۵۰.
- عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷). *فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه امثال و حکم)*. چ ۱. تهران: اختران.
- فاطمی، جمیله (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب‌المثل‌های فارسی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۲. ش ۱. صص ۸۷-۹۹.
- فیروزبخت، مهرداد (۱۳۸۴). *اریک برن، بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل*. چ ۱. تهران: دانژه.
- محمدحسین‌زاده، عبدالرضا و محمد بصیری (۱۳۸۸). «بررسی جنسیت در ضرب‌المثل‌های با توجه به آیات و احادیث». *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. س ۷. ش ۴ (۲۲). صص ۷-۳۱.
- مسبوق، سیدمهدی و مریم برزگر (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات». *لسان‌مبین*. س ۵. ش ۱۴. صص ۱۰۲-۱۱۹.
- مقدادی، بهرام (۱۳۸۱). «ادبیات تطبیقی و نقش آن در گفت‌وگوی تمدن‌ها». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. س ۹ (۱۳). صص ۱۲۹-۱۵۰.
- ناصری، مهدی (۱۳۹۰). *فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی - عربی*. چ ۱. قم: بوستان کتاب.
- نورد بی، ورنون و کالوین هال (۱۳۷۹). *راهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ*. ترجمه احمد به‌پژوه و رمضان دولتی. چ ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- هریس، تامس (۱۳۹۱). *وضعیت آخر*. ترجمه اسماعیل فصیح. چ ۲۸. تهران: فرهنگ نشر نو.
- Adler, Alfred (2009). *Social Interest: A Challenge to Mankind*. Tr. M.A. John Lintonand and Richards Vaughn. London: Oneworld Publications.
- ----- (2013). *The Science of Living*. New York: Routledge.
- Estaji, Ebrahim and Ali Sadeghimanesh (2016). "Pathology of the psychological contaminations in Dehkhoda's Amsalo Hekam based on the thought of Eric Berne". *International Journal of Humanities and Cultral Studies*. Special Issue :2139-2150.
- Speake ,Jennifer (2007). *Oxford Dictionary OF Proverbs*. Previously co-edited with John Simpson. Fifth Edition. Oxford :Oxford university Press.

